



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 51, No. 1, Issue 102

سال پنجاه و یکم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

Spring & summer 2019

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۴۷-۲۲۵

DOI: <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i1.66745>

پیوستگی‌های خطی و شبکه‌ای آیات و سور با مروری بر خاستگاه‌های آن *

دکتر یحیی میرحسینی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

Email: mirhoseini@meybod.ac.ir

روح الله داوری^۱

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم

Email: rdavari68@gmail.com

چکیده

ارتباط و پیوستگی آیات قرآن کریم، در کنار چینش سوره‌ها در مصحف از سوی دیگر، همواره یکی از مباحث مهم علوم قرآنی و دانش تفسیر بوده است. این موضوع در مباحث سنتی علوم قرآنی، غالباً تحت عناوینی چون «نظم» و «تناسب» آمده است. هدف از طرح این مباحث که آن را پیوستگی‌های خطی نامیده‌ایم، بیش از همه دفاع از نظم درون سوره‌ای آیات و نیز چینش فعلی سوره‌ها در مصحف بوده است؛ گرچه گاه فواید تفسیری نیز در برداشته و دست‌مایه مفسران در شرح و تبیین قرار گرفته است. اما در سده‌های اخیر، پیوستگی‌های شبکه‌ای ضرورت یافته و جستجو درباره ارتباط آیات و سوره‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار ندارند، فزونی گرفته است؛ فراتر از کارکرد تفسیری و جستن نظم قرآن، اهمیت یافتن تدبر متن بنیان، ظهور پیش‌فرض‌های تفسیری جدید، گسترش تفسیر قرآن به قرآن و نیاز روزافزون به تفاسیر موضوعی بر این رویکرد اثرگذار بوده است. در همین راستا ابتدا با روشی توصیفی - تحلیلی، انواع پیوستگی‌های آیات و سور بررسی شده، آنگاه خاستگاه‌های هر کدام به‌ویژه در دوره معاصر مورد واکاوی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، پیوستگی خطی، پیوستگی شبکه‌ای، تناسب سور، نظم آیات، تفسیر.

* مقاله پژوهشی، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۵/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰.
۱. نویسنده مسئول

Linear and Network Connections of Verses and Surahs and the Analysis of Their Origins

Dr. Yahya Mirhosseini, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran

Roohollah Davari (Corresponding Author), Ph.D. Student in Comparative Interpretation at the University of Qom

Abstract

The connection and consistency of Quranic verses along with the arrangement of surahs have always been one of the key issues in Quranic and the exegesis science. In the traditional Quranic subjects, this subject is usually referred to as "order" and "consistency". The purpose of raising this issue, which we have referred to as linear conjunctions, is to defend intra-surah order of verses and the existing arrangement of the surahs in the Quran. However, it has provided some interpretative benefits that have been exploited by exegetes. In recent centuries, nonetheless, network connections have received growing attention and great efforts have been put into searching the relationships between adjacent verses and surahs. Beyond the interpretive function and the search for the Quranic order, the importance of gaining text-based insight, the advent of new interpretive assumptions, the expansion of Quran-to-Quran interpretation and the growing need for thematic exegesis have influenced this approach. In this regard, we first examine different types of connections between verses and surahs using an analytical-descriptive method and then explore the origins of these connections, especially in the contemporary era.

Keywords: Holy Quran, Linear connections, Network connection, Surah consistency, Order of verses, Exegesis

مقدمه

به هنگام رویارویی با هر نوع کتاب و یا نوشته‌ای طولانی، یکی از نخستین سؤال‌ها این است که مباحث مختلف نوشتار، چه ارتباطی با یکدیگر دارند و وجه اتصال آن‌ها کدام است؟ از آنجا که قرآن کریم طبق شمارش مشهور، از ۱۱۴ سوره با ۶۲۳۶ آیه تشکیل شده، همواره دیدگاه‌هایی درباره وجه اتصال آیات و ترتیب سوره مطرح بوده است. نخستین فردی که به صورت ویژه بر علم تناسب آیات و سوره تمرکز داشته، ابوبکر عبدالله بن محمد بن زیاد (۳۲۴ ق) است (رک: زرکشی، ۱/ ۱۳۲). سپس، نخستین تلاش‌ها در این زمینه را می‌توان در مباحث کلامی اعجاز قرآن از طریق «نظم موجود میان واژگان و عبارات آیات» مشاهده کرد. کسانی چون ابوبکر باقلانی (۴۰۳ ق) و عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) این باور را ترویج دادند که نظم موجود میان واژگان و عبارات قرآنی، خود یکی از دلایل اعجاز این کتاب آسمانی است (باقلانی، ۳۰؛ جرجانی، ۶۸).

در مرحله بعد، این مفسران و علمای علوم قرآنی بودند که «ارتباط درون یک آیه»، «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس آن» و حتی «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد و یا گروهی از سوره‌ها» را در آثار خود نشان دادند (ر.ک: ادامه مقاله). همه این ارتباط‌جویی‌ها، کوشش‌هایی است که می‌توانیم از آن به «پیوستگی‌های جزئی - خطی^۱» یاد کنیم. امری که در دانش زبان‌شناسی، «انسجام^۲» خواننده می‌شود و مقصود از آن «مناسبت‌های معنایی است که به متن و گفته، یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازد» (مهاجر و نبوی، ۶۳).

اما افزون بر انسجام خطی که نظم و توالی درج عبارات را بررسی می‌کند، برخی از مفسران و علمای علوم قرآنی، به دنبال ارتباط‌های فراتری هستند که برای یادکردش از اصطلاح «پیوستگی‌های شبکه‌ای^۳» استفاده خواهیم کرد. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، نوعی خاص از تناسب است که بر دو مسأله تمرکز دارد: (۱) کشف ارتباط میان یک سوره با دیگر سوره‌ها فارغ از سوره قبل و بعد؛ (۲) کشف ارتباط آیات یک سوره با دیگر آیات سوره‌های قرآن کریم. شایان ذکر است گرچه در قرون متقدم، جُستن ارتباط و پیوستگی آیات و سوره به ندرت دیده می‌شود، اما در قرون میانی و به‌ویژه در دوره معاصر، استفاده از انواع روابط بین آیات و سوره‌ها، اهمیت شایان توجهی می‌یابد تا بدانجا که مبنا و ملاک اصلی در تفسیر برخی از قرآن‌پژوهان قرار گرفته است (برای نمونه، ر.ک: حوی، ۱/ ۲۳-۲۷). با توجه به توضیحات فوق، مقاله

۱. Linear-Atomistic Cohesion.

۲. Cohesion.

۳. Network Incorporations

حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: انواع پیوستگی‌های خطی و شبکه‌ای کدامند؟ خاستگاه دیدگاه‌های معاصر در جُستن پیوستگی‌های شبکه‌ای آیات و سور چیست؟

درباره پیشینه پژوهش باید گفت آثار متعددی با عناوینی چون تناسب آیات و سور و یا انسجام متنی قرآن به رشته تحریر درآمده است. از مهم‌ترین آن‌ها، باید به این موارد اشاره کرد: «پژوهشی در نظم قرآن» از عبدالهادی فقهی‌زاده، «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم» از امیر ذوقی، «تناسب مضمونی و انسجام ساختاری در قرآن» از سلوا العوّا، «انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش تفسیری فراهی، اصلاحی و حوّی» از سیدعلی آقایی، «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» از محمد خامه‌گر، «چهره پیوسته قرآن» از سید محمد علی ایازی، «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زبانی قرآن کریم» از مستنصر میر و «معیارشناسی پیوند معنایی آیات قرآن» از علی فتحی. اما مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر در این باره، مقاله مشترک عباس اسماعیلی‌زاده و مریم نساج به نام «ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در سیر تاریخی آن و نقدی بر برخی اصطلاحات معاصر» است. آثار فوق‌گرفته بسیار ارزنده و قابل استفاده‌اند؛ اما اثری جامع مشتمل بر تمام پیوستگی‌ها که با مروری تاریخی، خاستگاه‌های آن را نیز کاویده باشد به رشته تحریر در نیامده است. همچنین نوآوری دیگر مقاله، گرد آوردن معیارهای جُستن پیوستگی‌های شبکه‌ای یک آیه با دیگر آیات است که در مجموعه دیگری وجود ندارد.

در این مقاله، ابتدا انواع پیوستگی آیات و سور قرآنی را به دو دسته «خطی - جزئی» و «شبکه‌ای» تقسیم و سپس خاستگاه‌های آن‌ها را تا سر حد ممکن به صورت تحلیلی، تبیین کرده‌ایم.

رویکردها به پیوستگی سوره‌ها و آیات قرآن کریم

در این بخش، انواع پیوستگی‌های سوره‌ها و آیات قرآن کریم را در دو دسته خطی و شبکه‌ای رده‌بندی و انواع دیدگاه‌ها در این باره را ثبت کرده‌ایم. لازم به ذکر است، از آنجا که پیوستگی‌های خطی از دیرزمان مورد توجه بوده و درباره‌اش بحث و نظر فراوانی به انجام رسیده، این بخش را فشرده ارائه کرده‌ایم تا حجم بیشتر نوشتار به پیوستگی‌های شبکه‌ای و نیز سیر تاریخی این نظریات و خاستگاه‌های آن اختصاص یابد.

دسته اول: پیوستگی‌های خطی آیات و سور

مقصود از پیوستگی‌های خطی، «مناسبت‌های معنایی است که به متن و گفته، یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازد» (مهاجر و نبوی، ۶۳؛ نیز رک: ذوقی، ۱۶۰). از منظر دیگر و در یک تقسیم‌بندی کلی و جامع، مناسبت یا زنجیره‌مندی مفهومی میان آیات و سور را می‌توان در دو سطح خرد یعنی میان آیات (زنجیره‌مندی بین‌آیه‌ای)

و سطح کلان (زنجیره‌مندی بیناسوره‌ای) در نظر گرفت و بر این اساس رده‌بندی کرد. در بحث از زنجیره‌مندی بین‌آیه‌ای به این سؤال پاسخ داده می‌شود که یک آیه خاص، چه هماهنگی و ارتباطی با آیات پیشین و پسین خود دارد (عبدالرئوف، ۳۵۲). اما در زنجیره‌مندی بیناسوره‌ای، پیوستگی در یکی از صورت‌های ذیل برقرار می‌شود: الف) زنجیره‌مندی میان آغاز و انجام یک سوره؛ ب) زنجیره‌مندی میان انجام یک سوره و آغاز سوره بعدی؛ ج) زنجیره‌مندی میان دو سوره متوالی؛ د) زنجیره‌مندی میان دو سوره متوالی که سوره دوم، مطالب سوره اول را تبیین کند (همو، ۳۴۹ - ۳۵۰).

۱. تناسب آیات ضمن سوره

در اصطلاح تفسیر و علوم قرآنی، از این پیوستگی به «ارتباط درون یک آیه» و «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس آن» یاد می‌شود. چنین پیوستگی‌هایی همواره دست‌مایه مفسران در تفسیر قرآن بوده است. نخستین فردی که به صورت ویژه بر علم تناسب آیات و سوره تمرکز داشته، ابوبکر عبدالله بن محمد بن زیاد (۳۲۴ ق) عالم شافعی برآمده از بوم نیشابور و سکنی‌گزیده در بغداد است (رک: زرکشی، ۱/۱۳۲). در شرح احوال او آمده است وقتی آیه‌ای بر او خوانده می‌شد این سؤال‌ها را مطرح می‌کرد که «از چه رو، این آیه در کنار آن آیه نشسته است؟ و حکمت قرارگیری این سوره در کنار سوره مجاورش چیست؟» (همان).

افزون بر این، در میان آثار تفسیری موجود، باید در کنار یادکرد از ابوالقاسم زمخشری (۵۳۸ ق) که پرداخت جدی او به علم بلاغت در تفسیر، نمی‌توانسته او را نسبت به مسأله نظم و تناسب میان آیات بی‌توجه گذارد (ذوقی، ۱۵۵)، باید از فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ق) یاد کرد که در گسترده‌ترین اثر تفسیری‌اش مجمع‌البیان، حدود ۱۵۰ مرتبه، تبتیری تحت عنوان «النظم» می‌گشاید؛ در این بخش، گاه ارتباط فقرات مختلف یک آیه بررسی می‌شود (برای نمونه آیه ۲۱۷ سوره بقره، ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ۲/۵۵۲-۵۵۳) و گاه اتصال یک آیه با فراز پیشینش تبیین می‌شود (برای نمونه آیه ۱۵ سوره هود، ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ۵/۲۲۳). اما در غالب موارد، پیوستگی آیه با آیات ماقبلش بررسی شده است (برای نمونه آیه ۲۳ سوره حجر، ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ۶/۵۱۴).

از میان تفاسیر اهل سنت و جماعت، در مفاتیح‌الغیب فخر رازی (۶۰۶ ق) بسیار با بحث پیوستگی‌های خطی روبه‌رو هستیم. تعبیر ویژه او در این گونه موارد، «وجه المناسبه» و یا «وجه النظم» است (برای نمونه، ر.ک: فخر رازی، ۲/۴۰۶؛ ۱۲/۵۲۳). در ادامه این روند، جُستن ارتباط آیات و سوره چنان اهمیت یافت که در کتب علوم قرآنی، فصلی مجزا بدان اختصاص داده شد. از جمله زرکشی، نوع دوم کتابش «البرهان فی علوم القرآن» را به «معرفه المناسبات بین الآیات» اختصاص داده و

در آن، به انواع ارتباط میان یک آیه با آیات قبلی اش اشاره کرده است (زرکشی، ۱/ ۱۳۶). از جمله مواردی که او بدان‌ها اشاره داشته، تأکید جمله، جمله تفسیریه، جمله اعتراضیه، عطف یک جمله بر جمله دیگر و... است. سیوطی نیز در نوع شصت و دوم کتابش الاتقان، اقسام ارتباط میان یک آیه با آیات قبلی را نشان داده است (سیوطی، الاتقان، ۲/ ۲۱۸ - ۲۲۱).

۲. تناسب مضمونی میان سور همجوار

از دیگر پیوستگی‌های خطی، تناسب مضمونی میان سور همجوار است؛ یعنی میان دو سوره‌ای که در مصحف کنونی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، ارتباط و پیوستگی مضمونی وجود داشته باشد. گرچه باور به توقیفی بودن چینش سور از سوی خداوند و یا کمینه به امر پیامبر (ص)، در تقویت این دیدگاه نقش مهمی دارد؛ اما صرف‌نظر از آن، همچنان امکان جُستن ارتباط وجود دارد و ضرورتاً این رویکرد بر توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها مترتب نیست.

تفسیر مجمع‌البیان از فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ق) و مفاتیح‌الغیب از فخر رازی (۶۰۶ ق) جزء اولین آثار موجود در زمینه تناسب مضمونی میان سور همجوار هستند. برای نمونه طبرسی در وجه کیفیت ارتباط سوره انعام با سوره قبلش مائده، معتقد است وقتی خداوند سوره مائده را با آیه «... عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خاتمه داد، سوره انعام را با آیه‌ای آغاز نمود که دلالت بر کمال قدرتش می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۴/ ۴۲۲).

احتمال می‌رود گسترش دیدگاه‌ها پیرامون «نظم قرآن» و همچنین «توقیفی بودن ترتیب سور» که هر دو از قرن‌ها پیش آغاز شده بود، طبرسی را بر آن داشت به پیوستگی‌های فوق‌اهتمام ورزد. نیز از آنجا که مفسر از علمای شیعی مذاهب است، احتمال می‌رود روایتی از حضرت رضا (ع) که یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن را در نظم آن دانستند (ابن بابویه، ۲/ ۱۳۰)، در این موشکافی اثرگذار بوده باشد.

فارغ از نقطه آغاز، این سیوطی است که ارتباط میان سور همجوار را تسوریزه کرد. او معتقد بود هر سوره، تفصیل‌یافته و شارح مطالبی است که به اجمال در سوره پیشین آمده است؛ او این مهم را «اصلی قرآنی» می‌شناسد که در غالب سوره‌های کوتاه و بلند قرآن قابل ملاحظه است (سیوطی، تناسق الدرر، ۶۱). در دوره معاصر نیز همین توجه پی گرفته شده است. از جمله، آلوسی (۱۲۷۰ ق) در وجه کیفیت تناسب مضمونی میان سوره‌های مؤمنون و نور که در مصحف کنونی کنار هم آمده‌اند، می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های مؤمنان که در سوره مؤمنون ذکر شده، حفظ فرج است (آیه ۵)؛ از این‌رو در سوره بعدی یعنی نور، از احکام کسانی که آداب جنسی را رعایت نمی‌کنند و اموری مربوط بدان همچون کذف و افک، و همچنین زنا و مقابله با آن از طریق ازدواج، سخن به میان آمده است» (آلوسی، ۹/ ۲۷۳).

شایان توجه آنکه در غالب موارد، تناسب دو سوره پیاپی از رهگذر این دو بررسی می‌شود: (۱) تناسب خاتمه یک سوره با آغاز سوره بعد؛ (۲) تناسب دو سوره در شروع یا پایان. تناسب آغاز سوره با پایان سوره پیشین بدان معناست که میان آغاز یک سوره با پایان سوره قبل، ارتباط محتوایی و یا لفظی باشد. برای نمونه، فخر رازی چنین ارتباطی میان سوره ذاریات با سوره ق، جسته است. او معتقد است از آنجا که در پایان سوره ق از وقوع حشر و زنده شدن مردگان بحث شده است (آیه ۴۴)، در ابتدای سوره ذاریات نیز از تحقق وعده‌های الهی و حتمی بودن برپایی قیامت (آیات ۵-۶) سخن به میان آمده است (فخر رازی، ۱۵۹/۲۸).

اما مقصود از تناسب دوم آن است که میان فواتح یا خواتیم دو سوره، ارتباط وجود داشته باشد. برای نمونه، دو سوره ذاریات و طور در آغاز و پایان تناسب دارند. سیوطی در این باره می‌نویسد: «علت قرار گرفتن سوره طور بعد از سوره ذاریات، تشابه این دو سوره در آغاز و پایان است. در آغاز هر دو سوره، بحث متقین آمده و پایان آن دو نیز با بحث کفار به پایان رسیده است» (سیوطی، معترك الاقران، ۱۲۴). لازم به ذکر است، آغاز هر دو سوره بعد از قَسَم‌های آن، مربوط به منکران قیامت است و بعد از آن به بحث متقین پرداخته می‌شود و از این جهت نیز مشابهت و پیوستگی به چشم می‌آید.

در پایان این بخش، باید به اثر سیوطی به نام «تناسق الدرر فی تناسب السور» اشاره داشت که در زمینه ارتباط سوره‌ها به رشته تحریر درآمده و به چاپ رسیده است. از دیگر آثار در این زمینه باید به این موارد اشاره داشت: (۱) البرهان فی تناسب سور القرآن، نوشته ابوجعفر بن الزبیر آندلسی، (۲) نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، از برهان‌الدین بقاعی، (۳) جواهر البیان فی تناسب سور القرآن، اثر محمد صدیق الغماری.

۳. تناسب میان مجموعه‌ای از سوره

در تناسب میان مجموعه‌ای از سوره، پیوستگی و هماهنگی بیش از دو سوره مورد توجه است؛ به عبارت دیگر، ارتباط میان مجموعه‌ای از سوره‌های نزدیک به هم کاویده می‌شود (ر.ک: بازرگان، ۷/۱). برای این نوع از تناسب، می‌توان از دو منظر شاهد آورد و آن را بررسی نمود.

الف) تقسیم قرآن به چهار بخش «طوال»، «متین»، «مثنی»، «مثنی» و «مفصل» تقسیم شده است (کلینی، ۶۰۱/۲). این تقسیم‌بندی دستمایه برخی از معاصران قرار گرفته تا ارتباط موضوعی سوره را از همین رهگذر دنبال کنند. از جمله باید به سعید حوی و اثرش «الاساس فی التفسیر» اشاره کرد که ارتباط هر یک از ۴ بخش را تبیین کرده است (به ترتیب رک: حوی، ۵۱/۱-۵۵؛ ۱۲۸۹-۱۲۹۱؛ ۵/۲۴۰۷-۲۴۱۰؛ ۸/۴۱۴۹-).

۴۱۵۸؛ ۵۴۹۶/۱۰؛ برای توضیح بیشتر، ر.ک: آقایی، «رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الأساس فی التفسیر»، سراسر اثر). این مفسر در مقام اصطلاح‌شناسی، در مقدمه اثر خود به خواننده یادآور می‌شود که هرگاه بخواهد از چنین پیوستگی‌هایی بحث کند، از واژگان «قسم» و «مجموعه» استفاده می‌کند (حَوّی، ۳۱/۱). او ارتباط سوره‌های قرآن را از جنس اسراری می‌داند که هرکس در آن غور کند، به الهی بودن قرآن راه می‌یابد و توهم بشری بودن آن رخت برمی‌بندد (همان، ۱/۲۵؛ ۷/۷۸). سعید حَوّی حتی پا را فراتر نهاده، معتقد است کمال قرآن در وحدت و یکپارچگی تمام آیات و سوره است (همان، ۱/۲۷).

ب) جُستن ارتباط بر اساس ظاهر کلمات و خصوصیات محتوایی: توضیح آنکه سوره‌هایی که کلمات مشابه فراوانی دارند و یا از نظر موضوعی نزدیک به یکدیگر هستند، مرتبط به شمار آمده و برای این مجموعه‌ها، نوعی اتصال محتوایی جُسته می‌شود (ایازی، ۶۶).

برای نمونه می‌توان به سوره‌های یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر اشاره کرد که در کنار هم قرار گرفته‌اند و همگی با «الر» شروع می‌شوند و بعد از حروف مقطعه، توصیفی از قرآن کریم آمده است. البته بین سوره یوسف و ابراهیم، سوره رعد آمده است که گرچه این سوره با «المرا» آغاز شده، اما در آنجا نیز به دنبال حروف مقطعه، از قرآن بحث به میان آمده است. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «اگر کمی در سوره‌هایی که حروف مقطعه آغاز آن‌ها مشترک است - مانند «المیمات»، «المراءات»، «طواسین» و «حوامیم» - تدبر کنی، می‌یابی که آن سوره‌ها از نظر مضمون و تناسب سیاق به هم شباهت دارند؛ به طوری که شباهت بین آن‌ها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شود... مثلاً در آغاز سوره حوامیم، عبارت «تَلْکَ آیاتُ الْکتاب» یا عبارتی نظیر آن آمده است» (طباطبایی، ۸/۱۸). گفتمی است این نوع تناسب بیشتر در قرون متأخر مورد توجه قرار گرفته و آنچه موضوع سخن در بحث حاضر است، طرح این نظریه است و در اینجا صحت یا نادرستی این فرضیه، مورد بحث نیست.

دسته دوم: پیوستگی‌های شبکه‌ای آیات و سوره

مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، کشف ارتباط یک سوره با دیگر سوره‌های قرآن کریم، فارغ از سوره قبل و بعد، و همچنین کشف ارتباط آیات یک سوره با دیگر آیات سوره‌هاست. به عبارت روشن‌تر، برخلاف پیوستگی‌های خطی که ملاک جستن پیوند و ارتباط، همنشینی آیات و توالی سوره‌هاست، در پیوستگی‌های شبکه‌ای، دیگر چنین محدودیتی وجود ندارد و هر نوع مناسبت و ربطی میان سوره و آیات کاویده می‌شود. در این بخش، به مهم‌ترین انواع پیوستگی‌های شبکه‌ای اشاره خواهیم کرد.

۱. پیوستگی از طریق کشف نظائر معنوی

واژه «نظیر» و جمع آن «نظائر» در لغت به معنای مثل و مانند است. به گفته خلیل بن احمد فراهیدی از آن جهت به مثل و مانند، «نظیر» گفته می‌شود که وقتی به آن‌ها نظر انداخته شود، گویی یکسان و مترادف انگاشته می‌شوند (خلیل بن احمد، ۸/۱۵۶). در راستای همین معنای لغوی، در اصطلاح علوم قرآنی نیز واژه نظیر به معنای نزدیکی دو مفهوم و معانی قریب آن‌هاست (سیوطی، الاتقان، ۱/۴۴۰). نکته شایان توجه آنکه گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم، نظیر یکدیگر به شمار می‌آیند، اما لفظ یا ریشه مشترکی میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود. از همین رو، مفسر باید اشراف و حضور ذهن فراوانی از آیات قرآن داشته باشد. دو قسم از انواع نظائر معنوی به قرار زیر است:

الف: مشابهت مفهومی: منظور از مشابهت در مفهوم آن است که گاه دو یا چند آیه از جهت محتوا و معانی، نظیر یکدیگر تلقی می‌شوند؛ در حالی که لفظ مشترکی میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود. برای نمونه، زمخشری و طبرسی معتقدند آیه «لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (روم: ۳۴) نظیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي آيَاتِنَا ... اَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ ...» (فصلت: ۴۰) است (زمخشری، ۳/۴۸۰؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۳/۲۶۷)؛ حال آنکه لفظ مشترکی میان آن دو مشاهده نمی‌شود. نیز آیات ۱۶۷ سوره بقره و ۳۸ سوره زخرف که مربوط به برپایی قیامت و افسوس دوزخیان از اعتماد به معبودان دورغین است، نظیر یکدیگرند: «... لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَّرًا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤْنَا مِنْآ ...» (بقره: ۱۶۷)؛ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَنْسُ الْقُرَيْنَ» (زخرف: ۳۸). (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱/۵۶۶).

ب: همسانی در مصداق: پیوستگی شبکه‌ای دیگر از جنس نظائر معنوی، همسانی در مصداق است؛ یعنی می‌توان با جستجوی مصادیق یکسان در آیاتی که لفظ مشترکی میان آن‌ها وجود ندارد، بین دو آیه ارتباط برقرار نمود. مفسر در این موارد نیز باید انس فراوانی با آیات قرآنی داشته باشد تا آیات مرتبط را گردآورد. برای نمونه، آیه «وَلَوْ طَأَّ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» (نمل: ۵۴) با فراز «أَلَيْسَ لَكُمْ لِقَاءُ الْرِّجَالِ وَتَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ...» (عنکبوت: ۲۹) نظیر یکدیگرند؛ زیرا در هر دو آیه، سخن از مصداق یکسان - عمل لواط - به میان آمده است (ر.ک: قرشی، ۷/۴۷۲).

همچنین آیات «... هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ» (أحقاف: ۱۱) و «... إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (أنعام: ۲۵) نظیر یکدیگر قلمداد شده‌اند زیرا در هر دو آیه، منشأ وحیانی قرآن از سوی منکران قرآن زیر سؤال رفته است. گروهی از مفسران به این مطلب اشاره داشته‌اند و به ارتباط این دو آیه اشاره نموده‌اند (ر.ک: کاشانی، ۸/۳۱۳؛ حقی بروسوی، ۸/۴۷۰؛ طباطبایی، ۱۸/۱۹۵).

۲. سیاق و انواع آن

از دیگر پیوستگی‌های شبکه‌ای در قرآن کریم که در قرون متأخر هجری بسیار بر آن تکیه می‌شود، سیاق است. سیاق در اصطلاح، تعاریف متعددی دارد که یکی از بهترین‌های آن، عبارت است از: «ساختاری کلی که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات، سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد» (رجبی، ۹۲). پژوهشگران علوم قرآنی سیاق را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند:

الف) سیاق کلمات: به پی هم آمدن کلمات در ضمن یک جمله، «سیاق کلمات» گفته می‌شود. سیاق کلمه، اشکال گوناگونی دارد؛ مانند مبتدا و خبر، فعل و فاعل، فعل و نایب فاعل، فعل و مفعول، معطوف و معطوف‌علیه. قرینه بودن این نوع سیاق و تأثیر آن در تعیین معنای واژه‌ها، از قوی‌ترین قرائن سیاقی است؛ زیرا طبیعی است گوینده بلیغ، در هیچ شرایطی از کلمات مورد نظر خود، معانی نامتناسب اراده نمی‌کند و از هر واژه، معنایی را اراده می‌کند که با معنای دیگر کلمات سازگار باشد.

ب) سیاق جمله‌ها: در این نوع از سیاق، یک جمله برای جمله‌ای دیگر در همان آیه، قرینه شده و در تعیین معنای واقعی، اثرگذار است. برای نمونه، طبری درباره بخش نخست آیه «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (الأنبياء: ۳۰)، بر این باور است که رتق آسمان‌ها و زمین، به معنای بسته بودن آسمان‌ها از باران و مغلق بودن زمین از گیاهان است؛ یعنی بارانی نمی‌بارید و گیاهی از زمین، رشد نمی‌یافت. دلیل او، ادامه آیه است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». به عبارت دیگر با نازل کردن باران، هم آسمان‌ها گشوده شدند و همچنین زمین در اثر باران، گیاهان را در بستر خود رویاند (طبری، ۱۷/۱۵).

ج) سیاق آیات: گاهی به از پی هم آمدن آیات «سیاق آیات» می‌گویند. سیاق آیاتی که از یک جمله کمترند و همراه با کلمات پیشین یا پسین، یک جمله را تشکیل می‌دهند، در حکم سیاق کلمه‌هاست. همچنین آن دسته از آیات که یک جمله یا بیش از یک جمله‌اند که بیشتر آیات این چنین هستند، سیاق آن‌ها در حکم سیاق جمله‌هاست.

برای نمونه علامه طباطبایی آیات ۲۰ الی ۵۱ سوره ذاریات را یک سیاق می‌داند و بر این باور است که این آیات به تعدادی از نشانه‌های الهی که بر وحدانیت خداوند در ربوبیت و رجوع امر تدبیر به سوی اوست، دلالت دارد؛ اموری که لازمه‌اش، امکان فرستادن دین الهی از طریق رسالت بلکه وجوب آن است (ر.ک: طباطبایی، ۱۸/۳۷۳).

۱. آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیات ایمان نمی‌آورند!؟

د) سیاق سوره‌ها: گاهی تابع و توالی سوره‌ها، به شکل‌گیری سیاق می‌انجامد (رجبی، ۱۰۰-۱۰۳). برای نمونه می‌توان گفت سه سوره محمد، فتح و حجرات که در مصحف کنونی در کنار هم آمده‌اند، از نظر مضمون و محتوا بسیار به یکدیگر نزدیک بوده و سیاق واحدی را دنبال می‌کنند و مخاطب همه آن‌ها پیامبر (ص) است (بازرگان، ۷/۱). نکته شایان توجه آنکه سیاق سوره‌ها، گاه ملاکی برای محک و نقد برخی روایات و یا اقوال تفسیری بوده است (برای نمونه، نقد برخی اقوال تفسیری که با شأن حضرت یوسف (ع) ناسازگار است با سیاقی برآمده از آیات ۲۴ و ۲۶-۲۸ سوره یوسف، ر.ک: طباطبایی، ۱۱/۱۳۰-۱۳۳). با توجه به توضیحات پیش‌گفته، می‌توان گفت انواع سیاق به ارتباط و پیوستگی بین آیات و سوره می‌انجامد و سیاق آیات، یکی از روش‌های جُستن پیوستگی بین سوره‌های قرآن کریم است. از این رهگذر می‌توان به سوره‌های مختلف که دارای سیاق یکسان هستند، پیوند و ارتباط داد.

۳. موضوع مشترک

موضوع مشترک، از دیگر روش‌هایی است که می‌توان پیوستگی شبکه‌ای سوره‌های مختلف قرآن را بر اساس آن به‌دست آورد (معرفت، تناسب آیات، ۲۰). توضیح این بخش، نیاز به دو مقدمه دارد و یا به عبارت دقیق‌تر، بر دو پیش‌فرض اساسی استوار است: (۱) موضوعات مختلف طرح شده در یک سوره، در خدمت هدف اصلی آن سوره است؛ (۲) تکرار مضامین به ظاهر یکسان در قرآن، ارتباط مستقیمی با موضوع اصلی سوره یا سوره‌هایی دارد که در آن ذکر شده است؛ اصلاً همین امر به تفاوت در بیان جزئیات و نحوه ورود و خروج به بحث می‌انجامد. برای نمونه، می‌توان به پرداخت‌های مختلف داستان حضرت موسی (ع) در سوره‌های مختلف اشاره داشت.

در بازگشت به بحث اصلی و با توجه به مقدمات فوق باید گفت، تکرار موضوعات در سوره‌های قرآن، گرچه تفاوت‌هایی با هم دارند، اما همین امر می‌تواند به کشف ارتباط و پیوستگی بین مضامین همان سوره و یا سوره‌های مختلف کمک نماید. در مورد پیوستگی مطالب یک سوره، می‌توان به این موارد اشاره داشت: اگر محور اصلی سوره‌ای اثبات وحدانیت خداوند باشد، قصه‌های مندرج در آن بر مسأله توحید تکیه دارند. به همین ترتیب، اگر سوره‌ای در مقام تأکید بر نجات مؤمنان باشد، داستان‌های رهایی از چنگال مشرکان و کافران تکرار می‌شود و چنانچه موضوع مشترک سوره‌ای جهاد با مشرکان باشد، قصه مقاومت جبهه حق در رویارویی با دشمنانشان بازتاب داده می‌شود (خامه‌گر، ۱۹۰).

برای موضوع مشترک در چند سوره، می‌توان به داستان محاجه حضرت ابراهیم (ع) با آزر و قومش اشاره کرد. این داستان در سوره‌های انعام، توبه، مریم، انبیاء، شعراء، صافات، زخرف و ممتحنه آمده است. تأمل دقیق در قسمت‌های برگزیده از این داستان نشان می‌دهد که هر کدام از این فرازهای داستان، مکمل

دیگری است؛ لذا برای فهم بهتر این داستان، شایسته است همه ابعاد و جوانب آن که در سوره‌های قرآن کریم پراکنده شده، مورد توجه قرار گیرد (مصلائی پور، و دیمه‌کار، ۶۵) و نوعی پیوستگی را در این سوره‌ها نشان داد. نمونه دیگر، موضوع خانواده در سوره‌های نور، احزاب و تحریم است که می‌تواند آن‌ها را به یک مجموعه تبدیل سازد؛ موضوع این سوره‌ها، مشترک بوده و از این طریق، پیوستگی شبکه‌ای میان آن‌ها قابل درک است (ر.ک: زارع زردینی، ۲۰).

موضوع مشترک می‌تواند دستمایه جستار در پیوستگی‌های شبکه‌ای آیات درون یک سوره نیز قرار گیرد. برای نمونه، محمدحسین برومند از تفسیرپژوهان معاصر، پیوستگی آیات هر سوره را در قالب نظریه‌ای به نام «خطوط و شبکه‌های ارتباطی» طرح کرده است؛ او معتقد است معمولاً آیات هر سوره، تعدادی خطوط اصلی دارد که این خطوط می‌تواند حاوی خطوط فرعی نیز باشد. با استخراج خطوط اصلی و فرعی، می‌بایست نقاط تلاقی کشف شود تا ارتباط شبکه‌ای آیات رخ بنماید (برومند، درس‌گفتار خطوط و شبکه‌های ارتباطی، سراسر اثر).

۴. غرض مشترک

از دیگر فرضیه‌های طرح شده درباره پیوستگی شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم، پی‌جویی «غرض مشترک» است. تفاوت غرض مشترک با پیوستگی از طریق موضوع مشترک آن است که در مورد اخیر، صرف تکرار مضمونی مشابه در جستن ارتباط و پیوستگی کفایت می‌کند؛ اما در غرض مشترک، هدف اصلی یک سوره - در کلیت آن - با سوره‌ای مشابه، مبنا و ملاک قرار می‌گیرد. برای نمونه، علامه طباطبایی غرض سوره حدید و تغابن را مانند هم می‌داند؛ زیرا شباهت بسیاری به یکدیگر دارند تا بدانجا که گویا سوره تغابن، خلاصه‌ای از سوره حدید است (طباطبایی، ۱۹/۱۴۳). در هر دو سوره نیز اهل ایمان به انفاق در راه خداوند تشویق شده‌اند (همان، ۱۹/۲۹۴). شایان ذکر آنکه در بحث از جُستن غرض مشترک سوره باهم‌آیی دو سوره و مجاورت آن‌ها ضرورتی ندارد. در مثال فوق، سوره حدید، پنجاه و هفتمین و سوره تغابن، شصت و چهارمین سوره براساس ترتیب مصحف است. دقیقاً همین عدم توالی، تفاوت پیوستگی‌های خطی و شبکه‌ای را روشن می‌سازد.

همچنین محققانی که به تعیین ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته‌اند، میان سوره‌هایی که در پی همدیگر نازل شده‌اند قائل به ارتباط و پیوستگی هستند. برای نمونه، رستگار جویباری در اثرش، تفسیر البصائر با یادکرد مضامین سوره حدید و زلزله، میان آن‌ها ارتباط برقرار کرده است (رستگار جویباری، ۷۳/۴۴؛ برای موارد دیگری از غرض مشترک در تفسیر المیزان، ر.ک: فقهی‌زاده و آزادی، ۱۳-۱۵).

دلیل اصلی اهمیت یافتن غرض مشترک، به مباحث علم بلاغت بازمی‌گردد که در آن یکی از خلل‌های اصلی در فصاحت کلام را «تعقید» در جمله می‌دانند؛ امری که به نارسایی در کلام می‌انجامد و اثربخشی گفته را در مخاطب کاهش می‌دهد. توضیح بیشتر آنکه هرگونه گره‌خوردگی و پیچیدگی در کلام - اعم از لفظی یا معنوی - که شنونده را در دریافت پیام، متحیر و سرگردان کند، نوعی تعقید است. همچنین چنانچه متکلم از هر دری سخنی گوید و ارتباطی معنادار و مشخص میان سخنانش یافت نشود، تعقید تحقق می‌پذیرد. بنابراین می‌توان گفت اصل انسجام در سخن، یکی از بدیهی‌ترین اصول فصاحت و بلاغت است که هر سخنوری در رعایت آن سعی تمام دارد. از همین رو، قرآن کریم که در بلندترین قله فصاحت و اوج آسمان بلاغت جای دارد، از تعقید برکنار است (خامه‌گر، ۹۸ - ۹۹) و همین باور، اساس نظریه غرض مشترک در سوره‌هاست.

گفتنی است بعد از این که در قرون میانی، ارتباط میان آیات و سوره تا حدودی در تفاسیر نشان داده شدند، در سده چهاردهم هجری موج «سوره به مثابه کلیت واحد» یا «انسجام و وحدت سوره‌های قرآن کریم» در جای جای جهان اسلام شکل گرفت. این دیدگاه در آثاری چون «تفسیر المنار» شیخ محمد عبده و محمد رشید رضا، «فی ظلال القرآن» سید قطب، «المیزان فی تفسیر القرآن» علامه طباطبایی و «نظم قرآن» مهدی بازرگان قابل ردیابی است (ر.ک: آقایی، «انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش فراهی، اصلاحی و حوی»، ۷۳). شاید یکی از کسانی که در این زمینه، جدی‌ترین تلاش‌ها را انجام داده است، حمیدالدین فراهی، عالم پاکستانی باشد. او نه تنها از انسجام درونی سوره‌ها سخن گفت، بلکه از وحدت کل قرآن، سخن به میان آورد. او نظم یا نظام را به معنای پیوستگی می‌گیرد که دارای سه مؤلفه ترتیب، تناسب و وحدانیت است؛ امری که به هر سوره، تمامیت و کلیت می‌دهد و رابطه آن را با سوره‌های قبل و بعد، روشن می‌سازد. او موضوع اصلی هر سوره را «عمود» آن سوره می‌نامد. او معتقد است آیات هر سوره، تنها زمانی مفهوم کامل خود را می‌نمایانند که این عمود، کشف و محوریت آن در سوره تصدیق شود (ر.ک: ذوقی، ۱۵۹).

لذا این معاصران هستند که بیش از همه از مبحث غرض مشترک سود جسته‌اند. برای نمونه، امین احسن اصلاحی، سید قطب و علامه طباطبایی، سوره را به مثابه یک واحد منسجم و کلی در نظر می‌گیرند و از تعبیر مختلفی همچون «عمود»، «محور» و «غرض» استفاده می‌کنند؛ اصطلاحاتی که به ترتیب از سوی اصلاحی، سید قطب و علامه طباطبایی به کار رفته‌اند (حری، ۵۶). افزون بر سه شخصیت فوق، باید به مهدی بازرگان اشاره داشت که معتقد بود می‌توان با دقت در کلمات به کار رفته در یک سوره و مقایسه آن با دیگر سوره‌ها، به نتایج مختلفی از جمله کشف غرض مشترک و موضوع اصلی دست یافت. او

می‌نویسد: «فرضاً اگر حجم یک سوره ۵٪ کل قرآن باشد، به طور طبیعی باید از هر واژه‌ای به همان نسبت، در آن سوره به کار رفته باشد. اما اگر این نسبت، مثلاً تبدیل به ۵۰٪ (۱۰ برابر) شده باشد، نشان می‌دهد تأکید و تمرکز سوره، روی واژه مورد نظر زیاد است و می‌توان آن را به عنوان ملاک و معیار ارتباط، مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال در سوره نساء، کلمات «وصیت»، «ولد»، «یتامی»، «منافقین»، «سبیل» و ... بیش از سایر سوره‌های قرآن به کار رفته است. از اینجا پی می‌بریم که این سوره روی خانواده، ارحام و مردم‌شناسی بیشتر توجه دارد. یا اینکه در سوره توبه که حجمی معادل ۱ به ۳۰ قرآن دارد، کلمه «رسوله» ۲۶ بار تکرار شده است. این تعداد نزدیک به یک سوم کاربرد این کلمه در کل قرآن است. این نسبت از نظر آماری، ۱۰ برابر بیش از حد طبیعی است و نشان می‌دهد موضوع «رسول خدا بودن» پیامبر، از محورهای اصلی سوره توبه است» (بازرگان، ۱/ ۱۰).

۵. نظم آهنگ و تناسب فواصل آیات

توجه به آهنگ جملات و به‌ویژه سجع که در کتب علوم قرآنی از آن با عنوان «تناسب و هماهنگی در فواصل و پایان‌بندهای آیات قرآن» یاد می‌شود، همواره مورد توجه بوده است (ر.ک: سیوطی، الاتقان، ۲/ ۲۰۴ - ۲۰۵؛ طاهرخانی، ۸۳)؛ اما به عنوان روشی برای تفسیر آیات و به‌ویژه یافتن پیوستگی آیات و سور، کمتر مورد اهتمام بوده و تنها برخی از پژوهشگران معاصر همچون مستنصر میر، بدان پرداخته است (ر.ک: میر، ۳۳۰ - ۳۳۱). از دیدگاه وی، آهنگین بودن آیات قرآن و رعایت فواصل که به‌خصوص در شماری از سوره‌های مکی، نمود بیشتری دارد (همان، ۳۳۰)، می‌تواند دست‌مایه جُستن ارتباط بین آیات و سور باشد. به عنوان نمونه، سوره تکویر که به لحنی تقریباً حماسی، تصویری از پایان جهان به دست می‌دهد، اساساً به شعر می‌ماند (همان، ۳۳۰). دقیقاً سوره انفطار نیز که هم‌وزن و هم‌آهنگ سوره تکویر است، به وقایع قبل از قیامت اشاره دارد:

سوره انفطار	سوره تکویر
«إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)	«إِذَا السَّمَاءُ كُوِّرَتْ (۱)
وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَبَرَتْ (۲)	وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)
وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)	وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)
وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)	وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) ...
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)».	عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ (۱۴)»

بنابراین می‌توان گفت یکی از روش‌هایی که می‌توان بر اساس آن، بین سوره‌های قرآن کریم، تناسب و ارتباط برقرار کرد، استفاده از نظم‌آهنگ و تناسب میان فواصل آیات قرآنی است. البته اذعان می‌کنیم که برای تبدیل این فرضیه به نظریه و اثبات آن، هنوز گام‌های فراوان دیگری باید برداشته شود.

مروری بر سیر جستجو در پیوستگی‌های آیات و سوره‌ها

چنانکه گذشت، نخستین فردی که به صورت ویژه بر علم تناسب آیات و سوره‌ها تمرکز کرد، ابوبکر عبدالله بن محمد بن زیاد (۳۲۴ ق) است (ر.ک: زرکشی، ۱/ ۱۳۲). بعد از او، نخستین تلاش‌های جدی برای جستجوی پیوستگی‌های آیات و سوره‌ها می‌توان در مباحث کلامی اعجاز قرآن ذیل مبحث «نظم موجود میان واژگان و عبارات آیات» مشاهده کرد. کسانی چون ابوبکر باقلانی (۴۰۳ ق) و عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) این باور را ترویج دادند که نظم موجود میان واژگان و عبارات قرآنی، از جمله دلایل اعجاز محسوب می‌شود (باقلانی، ۳۰؛ جرجانی، ۶۸).

اما این مفسران و علمای علوم قرآنی بودند که برای پیشبرد مباحث تفسیری و بسط دادن به توضیحات قرآنی خود، در جستجوی پیوستگی‌ها برآمدند. تمرکز بر «ارتباط درون یک آیه»، «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس آن» و حتی «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد و یا گروهی از سوره‌ها» در این آثار به خوبی نمایان است. از جمله در مجمع‌البیان، فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ق) در پایان برخی از آیات، «النظم» را جزء عناوین اصلی کتاب خویش قرار می‌دهد؛ گاه ارتباط درون‌آیه‌ای (برای نمونه آیه ۲۱۷ سوره بقره: طبرسی، ۲/ ۵۵۲ - ۵۵۳) و در برخی موارد، ارتباط میان یک آیه با آیات قبل را بررسی کرده است (برای نمونه آیه ۲۶۱ سوره بقره: طبرسی، مجمع‌البیان، ۲/ ۶۴۶).

علاوه بر تلاش‌های طبرسی در نشان دادن ارتباط‌های مذکور، در قرن هشتم و نهم، زرکشی (۷۹۴ ق) و سیوطی (۹۱۱ ق) نیز این نوع ارتباط‌ها را نشان داده‌اند. زرکشی نوع دوم کتاب البرهان فی علوم القرآن را به «معرفه المناسبات بین الآیات» اختصاص داده و به نمونه‌هایی از ارتباط یک سوره با سوره قبل اشاره کرده است (ر.ک: زرکشی، ۱/ ۱۳۴ - ۱۳۵). سیوطی نیز در نوع شصت و دوم الاتقان، فصلی را به فواتح سوره و خواتیم آن اختصاص داده و به نمونه‌هایی از ارتباط یک سوره با سوره قبل، اشاره داشته است (ر.ک: سیوطی، الاتقان، ۲/ ۲۲۴ - ۲۲۵).

فارغ از کوشش‌های علمای متقدم و متأخر، استفاده از انواع روابط بین آیات و سوره‌ها در دوره معاصر، اهمیت فزون‌تری یافته است؛ تا جایی که برخی، سوره را به مثابه یک واحد منسجم و کلی در نظر گرفته‌اند (ر.ک: حری، ۵۶). همچنین در آثار متعدد، مباحث نظری آن را پیش برده و تلاش کرده‌اند آن را در مقام

عمل به کار بندند. از جمله باید به علامه طباطبایی اشاره کرد که مبنای تفسیری اش یعنی تفسیر قرآن به قرآن، مبتنی بر یافتن آیات نظیر است (طباطبایی، جای جای اثر). در نتیجه می‌توان گفت هر چه از صدر اسلام و قرون نخستین و میانه فاصله گرفته‌ایم، مبحث پیوستگی‌های آیات و سوره، اهمیت بیشتری یافته است. همچنین دیدگاه‌هایی که در این باره طرح گشته، پیچیده‌تر شده و سیر بن‌مایه‌ها و پیش‌فرض‌های آن «باورهای کلامی»، «فوائد تفسیری» و «توجه به جنبه‌های ادبی و نظم‌آهنگ» بوده است.

خاستگاه دیدگاه‌ها درباره پیوستگی آیات و سوره

در بخش‌های پیشین مقاله ملاحظه شد که در سده‌های اخیر، بحث از پیوستگی آیات و سوره بیش از تمام اعصار گذشته بوده است. در این بخش به چرایی این رشد خواهیم پرداخت؛ از جمله خاستگاه‌هایی که شناسایی کرده‌ایم «دفاع از نظم و چینش آیات و سوره»، «پیشبرد مباحث تفسیری و ظهور پیش‌فرض‌های جدید»، «اهمیت یافتن تدبر متن بنیان و روش تفسیری قرآن به قرآن» و «گسترش نیاز به تفاسیر موضوعی» است که در ادامه، به هر یک با توضیحی مختصر اشاره می‌شود.

۱. دفاع از نظم و چینش آیات و سوره

دفاع از نظم آیات و سوره و بحث درباره آن، امری نیست که در دوره حاضر پدید آمده باشد؛ اما توجه به حجم انبوه فعالیت‌ها در این حوزه، نشان می‌دهد بحث از نظم و چینش در سده‌های اخیر، اهمیت بیشتری یافته است. سعید حویّ دقیقاً به فزونی گرفتن پرسش‌ها درباره ارتباط آیات و چینش سوره در عصر حاضر اشاره کرده است (حویّ، ۹/۱).

همچنین هیچ بعید نیست پررنگ شدن نقدهای خاورشناسان نسبت به نظم قرآن - چه در مباحث نظری حوزه ادبیات و چه مباحث تاریخی مربوط به جمع و تدوین قرآن - در این گرایش، اثرگذار بوده باشد. برای نمونه آنتونی ولش با استناد به گزارش‌های مرتبط با جمع و تدوین قرآن، چینش فعلی آیات در سوره‌ها را به همان صورت اولیه و نازل شده نمی‌داند و برای آن ارزش تفسیری قائل نیست (Welch, 1986, pp 886-888; Welch, 1997, pp 417-418). مولر (۱۹۹۲ م) نیز ویژگی سبک قرآن را در گسستگی آن می‌داند (Introduction to the Quran, 72) و نولدکه (۱۹۳۰ م) در اشاره به این سبک گسسته، بر فراوانی تغییر ضمیر و تعویض گوینده تکیه می‌کند (Rabinson, 1999, p 68). بلاشر (۱۹۰۰ م) نیز از نمود ناپیوسته قرآن و تکرارهای آن سخن به میان آورده است (بلاشر، ۳۰۱). این در حالی است که بسیاری از عالمان مسلمان معتقدند ترتیب آیه‌ها و طرز قرار گرفتن آن‌ها در سوره، امری توقیفی و با دستور و نظر پیامبر اکرم (ص) بوده است (ر.ک: معرفت، تاریخ قرآن، ۸۱؛ رامیار، ۵۷۴). بنابراین طبیعی است افزون بر

مباحث کلامی و تاریخی در دفاع از نظم و چینش آیات و سوره، واکنش دیگر مسلمانان در قالب نظریات پیوستگی تجلی یافته باشد. البته در اینجا باید به دیدگاه‌های محققان غربی از جمله «نظریه بلاغت سامی/نظم متقارن» میشل کوپرس و «نظریه نظم» نیل رابینسون اشاره کرد که پیوستگی‌های جدیدی مطرح کرده‌اند (برای توضیحات بیشتر، ر.ک: کوپرس، ۷-۹؛ مکوند و شاکر، ۴-۳۳؛ رابینسون، ۱۵۶-۱۹۰).

۲. پیشبرد مباحث تفسیری و ظهور پیش‌فرض‌های جدید

یکی از اهداف جستار در پیوستگی‌های آیات و سوره، دست یافتن به نکات و فواید تفسیری است؛ یعنی مفسر می‌کوشد با دنبال کردن ارتباط سوره و آیات، نکات جدیدی فراچنگ آورده و برای مخاطب خویش به ثبت آورد. از همین رو پیش‌فرض‌هایی نیز پدیدار شدند که در بخش‌های پیشین بدان اشاره شد. از جمله باید به «وحدت غرض سوره‌ها» اشاره کرد که مرّوجان این نگرش معتقدند باید پیام سوره‌ها را اساس فهم آیات سوره تلقی کرد و غرض سوره به‌عنوان محور و مدار فهم آیاتی مدنظر باشد که پیرامون همان غرض نازل شده‌اند (شحاته، ۲۷). پیش‌فرض‌های مهم دیگر، «توقیفی بودن ترتیب سوره»، «ارتباط مفهومی مجموعه سوره‌های مندرج در روایات پیامبر» و ... است که هر یک، مفسران را وامی‌داشت هم مباحث نظری فرضیه‌های خویش را تقویت کنند و هم آیات و سوره را بر اساس آن تفسیر نمایند.

۳. اهمیت یافتن تدبر متن بنیان و روش تفسیری قرآن به قرآن

در سده حاضر، می‌توان حداقل بخشی از خاستگاه‌های کشف روابط و پیوستگی آیات و سوره را در دو جریان «ترویج تدبر متن بنیان» و نیز «روش تفسیری قرآن به قرآن» پیجویی نمود. توضیح آنکه در سده‌های اخیر، تدبر در قرآن مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ خصوصاً با این تفصیل که همگان باید به فهم قرآن روی آورده و برداشت‌های نوین و جدیدی از آیات ارائه کنند (ر.ک: پاکتچی، درس‌گفتار تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۱۸۳؛ میرحسینی، ۶۸ - ۹۰).

از جمله طرفداران تدبرگرایی در قرن حاضر، کیوان قزوینی و علی صفایی حائری هستند. در تفسیر کیوان قزوینی و آثار تفسیری علی صفایی، با نوعی گسست نسبت به سنت تفسیری مواجهیم و به ندرت به تفاسیر پیش از خود ارجاع می‌دهند؛ در مقابل کوشش می‌شود تنها از خود قرآن در تفسیر و فهم بهره گرفته شود. عباسعلی کیوان قزوینی به صراحت در توضیح روش تفسیری‌اش، به این نکته اشاره داشته که رجوعی به تفاسیر گذشتگان نخواهد کرد (کیوان قزوینی، ۱/ ۶۹ و ۸۰) و تنها از خود قرآن بهره می‌گیرد (همان، ۱/ ۸۰). همچنین استفاده اندک علی صفایی از منابع تفسیری و روایی، حتی در دوران زندگی‌اش نیز انعکاس یافته و چنانکه خود اشاره کرده، مورد بازخواست قرار گرفت (صفایی، ۳۰). افزون بر این، او در طعنه به تفاسیر کلاسیک می‌نویسد: «کتاب‌هایی هست که با خواندن آن‌ها، عظمت و دانش نویسنده، چشم را

می‌گیرد و دل را اسیر می‌کند؛ در حالی که آیه‌ها در این میان، مثله شده و از دست رفته و هماهنگی و روابط آن‌ها، فراموش گردیده است» (صفایی، رشد، ۴). تأکید او بر «از میان رفتن هماهنگی و روابط آیات» دقیقاً به پیوستگی مورد بحث ما اشاره دارد. کیوان قزوینی نیز به ارتباط آیات و چنین پیوستگی‌هایی در تفسیر توجه داشته است (ر.ک: مصالایی پور و میرحسینی، ۱۶۸-۱۶۹). شایان یادکرد است، هنگامی که از یک سو بر فهم صحیح قرآن همگام با پیشرفت‌های دانش بشری به منظور اصلاح دین و دنیای مسلمانان تأکید شود^۱، و از سوی دیگر روش‌های سنتی، ناکارآمد تلقی گردد، تفسیر قرآن به قرآن اهمیت فراوانی می‌یابد. افزون بر تدبیر متن بنیان، باید به تفسیر قرآن به قرآن اشاره کرد که نخست توسط تحول‌گرایان، تبلیغ و ترویج شد و به تدریج در محافل سنت‌گرا نیز مورد توجه قرار گرفت (پاکتچی، «تفسیر»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۵/۷۳۳). در این روش با پذیرش حجیت ظواهر کتاب، قرآن به عنوان نخستین مفسر شناخته شده و حتی این ادعا طرح می‌شود که می‌توان بدون بهره‌گیری از اخبار (طباطبایی، ۱/۱۱۸) و یا معارف عقلی (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۳۹۷-۳۹۸) به تفسیر و مراد قرآن، راه برد. پُر واضح است که در روش تفسیری قرآن به قرآن، «کشف پیوستگی و ارتباط آیات» از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و یکی از ارکان اصلی محسوب می‌شود (ر.ک: جوادی آملی، تسنیم، ۶۷-۶۸). از همین‌روست که جستارهایی درباره ارتباط آیات و چگونگی یافتن نظائر در روش تفسیر قرآن به قرآن به نگارش درآمده است (مصالایی پور، «چگونگی یافتن نظائر آیات در روش تفسیر قرآن به قرآن»، سراسر اثر) تا جوابگوی نیازهای روشی این منهج باشد.

۴. گسترش نیاز به تفاسیر موضوعی

در عصر حاضر، نیازها و سؤال‌های آدمیان بسیار گسترش یافته است و مسلمانان به عنوان افرادی پایبند به اسلام، علاقه دارند پاسخ پرسش‌های خویش را در قرآن کریم بجویند. از سوی دیگر، غیر مسلمانان نیز جویای دیدگاه قرآن پیرامون مسائل مورد نظرشان هستند (جلیلی، ۵۵). از همین‌رو و با توجه به پراکندگی مطالب در قرآن کریم، نگارش تفاسیر موضوعی اجتناب‌ناپذیر شده و اهمیت شایان توجهی یافته است؛ تفسیری که همه جوانب مختلف فراگرد مسئله‌ای واحد را یکجا جمع کرده و موشکافانه مورد بحث قرار می‌دهد.

محمدباقر صدر به ضرورت نگارش این نوع از تفاسیر اشاره کرده و آن را تنها مسیری دانسته که مسلمانان از رهگذر آن، می‌توانند به نظریه‌های اساسی قرآن کریم و دین اسلام دست یافته و آن را از این

۱. در سخنی از سید جمال‌الدین اسدآبادی، بنیان‌گذار جریان اصلاح دینی در سده حاضر، ر.ک: پاکتچی، «تفسیر»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۵/۷۳۳.

طریق، عرضه بدارند (صدر، ۳۳). حال، سیری در تفاسیر موضوعی نشان می‌دهد یکی از ابزارهای روشی آنان، تفسیر قرآن به قرآن و یافتن ارتباطها و پیوستگی‌های آیات و سوره است (اسعدی، ۳۲۳/۸). نیز در روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم به این نکته اشاره رفته است که محقق و پژوهشگر باید به ارتباط آیات با سراسر سوره توجه داشته باشد (مرادی و لسانی، ۱۱۳-۱۱۶). بنابراین نضح و رشد رویکرد موضوعی به آیات قرآن کریم، قطعاً یکی از خاستگاه‌های نظریه‌پردازی و کاربست مبحث پیوستگی آیات و سوره بوده است.

نتیجه‌گیری

۱. پیشینه بحث درباره پیوستگی آیات و سوره، به سده‌های نخستین هجری بازمی‌گردد که البته بازتابی اندک داشته است؛ اما در قرون میانه و به‌ویژه در دوره معاصر، استفاده از انواع روابط آیات و سوره، اهمیت فزون‌تری یافته تا بدانجا که ملاک اصلی در روش تفسیری برخی از قرآن‌پژوهان بوده است.
۲. انواع نظریات و فرضیه‌های پیوستگی آیات و سوره را می‌توان در دو دسته خطی و شبکه‌ای رده‌بندی نمود. دیدگاه‌ها درباره پیوستگی‌های خطی که دو آیه یا دو سوره متوالی را پی می‌جوید، در این موارد قابل مشاهده است: تناسب آیات ضمن سوره، تناسب مضمونی میان سوره‌های هم‌جوار و تناسب میان مجموعه‌ای از سوره.
۳. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، کشف ارتباط یک سوره با دیگر سوره‌ها، فارغ از سوره قبل و بعد و همچنین کشف ارتباط آیات یک سوره با دیگر آیات سوره‌های قرآن است که انواع آن عبارت‌اند از: نظائر معنوی، سیاق، موضوع مشترک، غرض مشترک و تناسب فواصل آیات و نظم آهنگ آن.
۴. نخستین تلاش‌های پیوستگی آیات و سوره، ارتباط وثیقی با مباحث کلامی به منظور اثبات اعجاز قرآن از طریق نظم چیش آیات داشته است. اما بیشترین بن‌مایه‌ها به علم تفسیر بازمی‌گردد و مفسران و علمای علوم قرآنی از رهگذر ارتباط آیات و سوره، شرح و تبیین هر چه بیشتر آیات قرآنی را دنبال می‌کردند. دقیقاً بیشترین فرضیه‌ها متأثر از همین عامل بوده است. سیری تاریخی در این بحث نشان می‌دهد هرچه از سده‌های نخستین و میانه فاصله گرفته‌ایم، مبحث پیوستگی‌های آیات و سوره، اهمیت بیشتری یافته و دیدگاه‌هایی که در این باره طرح شده رو به پیچیدگی و تکامل گذارده است.
۵. خاستگاه‌های فرضیه‌ها در دوره معاصر، پیرامون پیوستگی آیات و سوره را می‌توان در این موارد جست: دفاع از نظم و چیش آیات و سوره، پیشبرد مباحث تفسیری و ظهور پیش فرض‌های جدید، اهمیت یافتن تدبیر متن‌بنیان و روش تفسیری قرآن به قرآن و در نهایت، گسترش نیاز به تفاسیر موضوعی.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
- اسعدی، محمد، «تفسیر قرآن به قرآن: شیوه‌ای تفسیری برگرفته از خود قرآن»، *دایرة المعارف قرآن کریم*، ۱۳۸۹.
- ایازی، محمد علی، *چهره پیوسته قرآن*، تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰.
- آقایی، علی، «انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش فراهی، اصلاحی و حوی»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۴، ۱۳۸۸.
- _____، «رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الأساس فی التفسیر»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵۶، ۱۳۸۷.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- بازرگان، عبدالعلی، *نظم قرآن*، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۷۲.
- باقلانی، محمد بن الطیب، *إعجاز القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
- برومند، محمدحسین، *درس‌گفتار خطوط و شبکه‌های ارتباطی*، دانشکده الهیات میبد، نیم‌سال اول ۱۳۹۳.
- بلاشر، رژی، *در آستانه قرآن*، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- پاکتچی، احمد، «تفسیر»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات مرکز دایرة المعارف، ۱۳۸۷.
- _____، *درس‌گفتار تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تنظیم و ویرایش: محمد جان‌پور، تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، *دلائل الإعجاز فی علم المعانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
- جلیلی، هدایت، *روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن*، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۲.
- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، تحقیق: حجت‌الاسلام علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- _____، *قرآن در قرآن*، تحقیق: محمد محرابی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- حری، ابوالفضل، «بررسی کتاب: درباره کتاب انسجام در قرآن: مطالعه مفهوم نظم در تدبر در قرآن اثر اصلاحی»، *کتاب ماه دین*، شماره ۱۶۳، ۱۳۹۰.

- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
- حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- حوّی، سعید، *الأساس فی التفسیر*، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ ق.
- خامه‌گر، محمد، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
- ذوقی، امیر، «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال هفتم، شماره ۱۲، ۱۳۹۲.
- رابینسون، نیل، «دستان باز: قرآنی دوباره از سوره مائده»، ترجمه محمدکاظم شاکر و انسیه عسگری، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۶۹، بهار ۱۳۹۱.
- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- رجبی، محمود، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- رستگار جویباری، یعسوب الدین، *تفسیر البصائر*، بی‌جا: المطبعة الاسلامیة، بی‌تا.
- زارع زردینی، احمد، *سوره‌های حوامیم: ویژگی‌ها و شباهت‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما دکتر عباس مصلاهی پور یزدی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
- زركشى، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
- _____، *تناسق الدرر فی تناسب السور*، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
- _____، *معتزک الاقران فی اعجاز القرآن*، بی‌جا: دارالفکر العربی، بی‌تا.
- شحاته، محمد محمود، *اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم*، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.
- صدر، محمدباقر، *المدرسة القرآنیة*، بیروت: دار التعارف، بی‌تا.
- صفایی حائری، علی، *انسان در دو فصل*، قم: لیلہ القدر، ۱۳۸۵.
- _____، *رشد*، قم: لیلہ القدر، ۱۳۸۵.
- _____، *یادنامه*، قم: لیلہ القدر، ۱۳۸۳.
- طاهر خانی، جواد، *بلاغت و فواصل قرآن*، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- _____، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طیب، عبدالحسین، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- عبدالرئوف، حسین، «زنجیر مندی مفهومی و بافتی در گفتمان قرآنی»، ترجمه ابوالفضل حرّی، *مجله زیبا شناخت*، شماره ۱۹، ۱۳۸۷.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- فقهی زاده، عبدالهادی، و محمد جواد آزادی، «روابط برون سوره‌ای از دیدگاه علامه طباطبایی»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
- قرشی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کوپرس، میشل، «متن قرآن برخلاف ظاهر، نظم و ساخت محکمی دارد»، *کتاب ماه دین*، شماره ۱۳۸، فروردین ۱۳۸۸.
- کیوان قزوینی، عباسعلی، *تفسیر*، به کوشش جعفر پژوم، تهران: انتشارات سایه، ۱۳۸۴.
- مرادی زنجانی حسین، و محمدعلی لسانی فشارکی، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، زنجان: قلم مهر، ۱۳۸۵.
- مسلم، مصطفی، *مباحث فی التفسیر الموضوعی*، دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۶ ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مصلائی پور یزدی، عباس، «چگونگی یافتن نظائر آیات در روش تفسیر قرآن به قرآن»، *مجموعه گفتارهایی در باب قرآن، فقه و فلسفه*، به کوشش مهدی ایزدی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- مصلائی پور یزدی، عباس، و محسن دیمه کار، «تنوع و نوآوری در بیان داستان محاجه حضرت ابراهیم (ع) با آزر و قومش در قرآن کریم»، *صحیفه مبین*، سال چهاردهم، شماره ۴۴، ۱۳۸۷.
- مصلائی پور یزدی، عباس، و یحیی میرحسینی، «تحلیل و بررسی روش تفسیری کیوان قزوینی»، *آموزه‌های قرآنی*، سال نهم، شماره ۱۷، ۱۳۹۲.
- معرفت، محمدهادی، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت، ۱۳۸۲.
- _____، *تناسب آیات*، ترجمه عزت الله مولایی نیا، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳.

- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
- مکوند، محمود، و محمدکاظم شاکر، «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۷۶، ۱۳۹۴.
- مهاجر، مهران، و محمد نبوی، *به سوی زبان‌شناسی شعر: ره‌یافتی نقش‌گرا*، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- میبدی، احمد بن محمد، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- میر، مستنصر، «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زبانی قرآن کریم»، *زیبا شناخت*، ابوالفضل حرّی، شماره ۱۶، ۱۳۸۶.
- میرحسینی، یحیی، *تحلیل و نقد رویکرد تفسیر عرفانی جدید امامیه با تأکید بر آثار تفسیری کیوان قزوینی، بانوی اصفهانی و صفایی حائری*، به راهنمایی دکتر احمد پاکتچی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- نیشابوری، حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
- Bell, Richard, *introduction to the Quran*, completely revised and enlarged by W. Montgomery Watt, Edinburgh University Press Paperback edition, 1977.
- Rabinson, Neal, *Islam a concise introduction*, London/ Richmond: Curzon Press, 1999.
- Welch, A.T, "AL-KUR`AN", *Encyclopaedia of Islam*, Leiden: Brill, vol.5, 1986.
- _____, "SURA", *Encyclopaedia of Islam*, Leiden: Brill, vol.9, 1997.